

## سطح یک جلسه دوم

یادآوری :

طرح شهید چمران (رضوان الله علیه) ، با تحلیلی کاربردی از هشت سال دفاع مقدس بدست آمده ؛ تا بتوانیم در عرصه جنگهای چند لایه ای که در حال حاضر درگیر آنها هستیم ، به یاری خدای متعال حرکت خوبی انجام دهیم ؛ حداقل با هدف توانمندسازی و راه اندازی خودمان.

آنچه گذشت این بود که عامل موفقیت ما در هشت سال دفاع مقدس ارتباطهای چهارگانه ای بود که فرماندهان و رزمندگان ما در آن مقطع با خدای متعال ، ائمه هدی (علیهم السلام) ، ولی فقیه و شهدا (رضوان الله علیهم اجمعین بعدد ما احاط به علمه) داشتند ؛ که آنها را به چهار عبارت کلیدی " عبادت ، ولایت ، امامت و شهادت " تقسیم کردیم و گفته شد برای نتیجه گیری بهتر از این مبانی در زمان حاضر ، می بایست آنها را بروز کرده و سپس بدانها عمل کنیم ؛ تا ما هم بتوانیم بار مسئولیتی را که از پیشکسوتان اسلام و انقلاب به ما رسیده ، با موفقیت و افتخار به نسلهای بعد برسانیم ؛ انشاء الله.

از طرفی گفته شد برای تحقق چنین امری ، پنج سطح تعریف کرده ایم که در حال حاضر جلسه دوم هستیم و بنا بر توافق قبلی قرار شد در این سطح ، نگاهی جدید و کاربردی به بعضی از احکام و دستورات دین مبین اسلام داشته باشیم تا بواسطه این بازاندیشی ، به کشفیات جدیدی برسیم ؛ هم در وجود خودمان و هم در نعمتهای بیکرانی که خدای متعال از برکت انقلاب اسلامی به ما داده است و نوعاً هم از آنها غافلیم و نیز گفته شد بنا بر این است که شیوه بحثمان از کلی گویی هایی که سابقاً مرسوم بوده خارج شده و دقیق تر در آثار و برکات آن دستورات الهی تأمل کنیم و مثالی نیز همراه با تحلیل تقریباً مفصلی آورده شد که در جلسه گذشته قابل پیگیری است.

ازجمله مهمترین دلایل انتخاب چنین شیوه ای هم آنست که ابتدا بتوانیم بواسطه بررسی آثار و تأثیرات دین در زندگی شخصی ، مادی و دنیوی مخاطب ، مقداری از گره های ذهنی او را باز کنیم و سپس با کمک یکدیگر ، به شناختهای عمیق تری از خود ، دین و نظام نائل شویم.

در جلسه قبل به موضوع نماز و تأثیرات آرامش آفرین آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان پرداختیم و در این جلسه می خواهیم مقداری در مورد بعد دیگری از این آثار تأمل کنیم بنام صبر و بالا بردن صبر و تحمل در انسان ؛ کما اینکه در قرآن کریم هم دستور صریح داده شده که " و استعینوا بالصبر و الصلاه " {بقره - 45}.

وقتی قرآن کریم می فرماید از این دو یاری بجوید (بویژه از نماز) یعنی ظرفیت و توانی در آن هست؛ منتها ما در این مباحث نمی خواهیم خیلی به قرآن کریم استناد کنیم ؛ چرا که شاید مخاطب ما چندان باوری به این کتاب الهی نداشته باشد ؛ اما با تشریح این ابعاد می تواند برود و امتحانش کند ؛ که مثلاً وقتی در کاری گیر می کند ، چقدر خدا خدا می کند {و نماز خواندن ، اوج آن خدا کردن است} و لذا اگر انسان زمانی که کارش گره می خورد نماز بخواند ، گویا نقطه ای محکم و قابل اتکا پیدا کرده که با توسل به آن ، قوت قلب انسان بالا می رود ؛ مانند بچه ای که با کسی درگیر می شود و می ترسد ؛ ولی برای اینکه کم نیاورد ، به طرف مقابل

می‌گوید اگر به پدرم نگفتم تا حالت را بگیرد ؛ چراکه پدر برایش یک تکیه‌گاه و نقطه قوت است .

از جمله برکات دیگر نماز خواندن ، بالا رفتن صبر در انسان است ؛ اگر نگاه کنیم می‌بینیم که انسان در ناکامی‌ها ، مقاوم‌تر است و در ترس‌ها می‌تواند خودش را نگه دارند ؛ در حوادث هولناک خورد نمی‌شود ؛ در وفور نعمت‌ها خودش را گم نمی‌کند ؛ مغرور و خودپسند و متکبر نمی‌شود و ... .

لذا یکی دیگر از برکات انجام این دستور الهی می‌شود صبر زیاد انسان ؛ برکت دیگر این فرمان الهی تفکر است ؛ نماز فکر انسان را باز می‌کند.

بعضی‌ها می‌گویند ما شطرنج بازی می‌کنیم تا فکرمان باز شود ؛ سوالی که بعضاً مطرح می‌شود اینست که می‌گویند شما چند نفر از نویسندگان و یا متفکرین دنیا را می‌شناسید که با شطرنج بازی کردن به چنین جاهایی رسیده باشند ؛ درحالیکه عموماً با این کار به چنین مقاماتی نرسیده‌اند ؛ بلکه این بازی ، ذهن انسان را برای خود این بازی باز می‌کند و قاعدتاً عوارض این مهارت در زندگی انسان چندان تغییر و تحولی ایجاد نمی‌کند ( البته هدف ، تخریب یا تحریم این بازی نیست ؛ بلکه هدف مقایسه و تحلیل علمی و عملی ماجراست)!

اما چرا می‌گوییم نماز تفکر را باز می‌کند ؟! همانطور که گفته شد بارها شده است که چیزی را گم کرده ایم و هرچه می‌گردیم پیدایش نمی‌کنیم ؛ اما همین که مشغول نماز می‌شویم یادمان می‌آید یا اینکه گاهی چیزی را فراموش می‌کنیم و باز هم ....

حال اگر چنین فرایندی را از لحاظ تجربی ، روحی و روانی تحلیل کنیم می‌بینیم نماز بستری است برای پرواز کردن و رها شدن روح و روان انسان ؛ منتها ما چون آنرا مدیریت نمی‌کنیم ، از چنین ظرفیت عظیمی ، بهره‌های حداقلی را می‌بریم ؛ البته گاهی ممکن است در هنگام نماز ، ذهن انسان سراغ مسائل مثبت هم برود ؛ مثلاً می‌گویی دل فلان دوستم را شکستم و احتمالاً ناراحت شده است ؛ حال چگونه از دلش در بیاورم ؟!

لذا فکر انسان می‌رود دنبال آنچه قبل از نماز و در بیشتر اوقات به آن مشغول بوده است ؛ اگر در اوقات فراغت ، افکارمان را بدرستی جهت دهی کنیم ، در نماز این فکر در همان وادی صحیح مشغول می‌شود (توحید ، معنویت ، کمال و ... ) ؛ بنابراین چنین ظرفیت‌هایی نماز دارد که گاهی ما بدرستی از آنها استفاده نمی‌کنیم و چون از این ظرفیت‌ها استفاده نمی‌شود ، محصول چندان از دینداری ما بدست نمی‌آید ؛ چراکه ما مدعی هستیم بهترین دین دنیا را داریم ؛ بهترین مذهب را در میان مذاهب اسلامی داریم ؛ بهترین نوع حکومت را در میان تشیع داریم و ... بهترین مردم را در زمان حال حاضر !!!

حال این سوال پیش می‌آید که ما با این همه بهترین‌ها ، چقدر فرزندان بهتر و بلکه بهترین فرزندها را درست کرده‌ایم که در جهان اسلام و مسلمین و بلکه کل بشریت شاخص باشند؟!

در علم ، مدیریت ، برنامه‌ریزی ، معنویت ، اخلاق و غیره ؛ البته نیروها و جوانهای اینچنینی بحمدالله زیاد داریم ؛ اما باید بدنبال کمالات حداکثری باشیم ؛ بقول بزرگان ، دیگر دوره حرکت‌های فردی بسر آمده و باید بصورت کاروانی حرکت کرده و به کمال رسید ؛ مهم این نیست که یک نفر به تنهایی برود و برسد ؛ بلکه مهم با هم بودن و با هم رسیدن است .

بنابراین ما در این سری مباحث ، بدنبال راهکارهایی هستیم تا بتوانیم به فضل الهی بصورت کاروانی به کمال نهایی اسلام و انقلاب برسیم ؛ که البته خود این راهبرد هم ، از تحلیل هشت سال دفاع مقدس بدست آمده است.

فرض کنید به ما بگویند کسی در شهر شما پیدا شده که هم در مدیریت خیلی قوی است ، هم در علوم مختلف ، هم در معنویات و اخلاق و هم در .... مثلاً حرکات ورزشی و رزمی !!

خب هر کسی باشد دوست دارد خود یا فرزندش اینچنین شود ؛ منتها چون یک نفر است که به این همه توانایی رسیده ، می گوید خوش بحالش که چنین توفیقاتی نصیبش شده ؛ چرا که حالا یا دارای استعداد های فوق العاده ای بوده یا شرایطی فوق العاده برایش فراهم شده ؛ لذا کسی چندان امیدی ندارد خود یا فرزندش چنین شود ؛ اما فرض کنید بگویند یک جمعیتی در شهر شما درست شده اند که همگی (مثلاً صد نفر) دارای توانمندی های علمی ، فکری ، معنوی ، ورزشی ، اخلاقی و غیره هستند؛ وقتی چندین نفر بصورت همزمان اینگونه می شوند ، معلوم است طبق الگویی عمل کرده اند که اینچنین استعداد های متنوعی در آن ها بروز و ظهور پیدا کرده است ؛ لذا نوعاً مردم بفکر می افتند که این چه الگویی بوده و ما چگونه می توانیم خود یا فرزندانمان از آن بهره مند شویم (و این از روی اتفاق خاص و فوق العاده ای بوجود نیامده است).

اما ارتباط این مثال با هشت سال دفاع مقدس اینست که در آن مدت نسبتاً کوتاه ، به کرات انسان هایی دیده شد که باوجود سن کم ، دارای فنون نظامی بالا ، مدیریت بالا ، اخلاق و معنویت بالا ، روابط اجتماعی بالا و ... بودند و چون تعداد زیادی از این افراد بصورت همزمان بوجود آمدند ، مشخص می شود اینها از الگویی پیروی می کرده اند (!)

لذا اگر ما بتوانیم آن را بدست آورده ، بروز کنیم ما هم خواهیم توانست در تعداد زیاد ، همین افراد را بسازیم ؛ منتها آن زمان وظیفه نیروها مدیریت جنگ نظامی و امنیتی بود ؛ اما وظیفه نیروهای امروزی، مدیریت هایی در حیطه جنگهای اقتصادی ، فرهنگی و .... سیاسی است و تا اینچنین عمل نکنیم ، جبهه را از دست داده ایم و یا در خوش بینانه ترین حالت ، با حداقل ظرفیت و توان عمر خود و جامعه را سپری می کنیم ؛ چراکه به هر حال در جبهه دشمن امکانات ، تبلیغات و تولید شبهات زیاد است ؛ در حالیکه اینطرف بعضاً نه به لحاظ فردی خوب کار می کنیم و نه به لحاظ تشکیلاتی و نتیجه چنین مبارزه ای ناگفته پیداست .

بنابراین یکی از مباحثی که می تواند ما را به نتیجه بهتر و بیشتری برساند ، این است که با تحلیل بروز و کاربردی آن دوران ، جهش هایی در دفاع و حمله ایجاد کنیم و بقول معروف ، طرحی نو در اندازیم؛ ان شاء الله.

اما درباره نماز ، ابعاد دیگری هم وجود دارد ؛ مانند بالا بردن توان انتظار در انسان ؛ عزتمندی برای مؤمن ؛ پیشرفت علمی ، عقلی و عملی ؛ برکت در وقت ؛ تنظیم امور روزمره و کلان زندگی ؛ سپاس گزار شدن انسان در برابر خالق و مخلوق ؛ امیدوار زندگی کردن و ... ؛ که درباره هر کدام از اینها حداقل یک جلسه مفصل می شود صحبت کرد ؛ مثلاً تنظیم امور زندگی یعنی چه ؟!

یکی از دوستان که به قول خودش تحقیق انفسی کرده بود می گفت هر وقت توفیق پیدا کردم نماز شب بخوانم روز بعد ، تمام کارهایم بترتیب و با سهولت انجام گرفته و جلو می رفتم ؛ تا جایی که اگر شبی بلند می شدم و نماز بجای می آوردم ، از همان موقع انتظار

داشتیم کارهای روزانه ام طبق معمول به سهولت انجام شوند و حتی اگر یکی از آنها دچار مشکل می‌شد ، دیگر تعجب می‌کردم (!) ؛ یعنی اینقدر این مسئله برایش تکرار شده بود که یک سیستم منظم و یقینی در ذهنش نقش بسته و البته اصل این ماجرا را در کلام بعضی از بزرگان هم دیده و شنیده ایم .

مثلاً آن استاد بزرگ گفته بود فرزندم دنیا می‌خواهی نماز شب بخوان ؛ آخرت می‌خواهی نماز شب بخوان ؛ یا مثلاً مرحوم آیت الله بهجت (رضوان الله علیه) می‌فرمودند کسانی که نمازهایشان را با تأخیر می‌خوانند ، منتظر باشند در سایر شئون زندگی‌شان هم دچار تأخیر شوند ؛ چه در امر ازدواج ؛ چه در تحصیل ؛ چه در اشتغال و چه در سایر مسائل دیگر ؛ یعنی در همه امور زندگی‌شان اختلال ایجاد می‌شود.

بنابراین موارد انسان می‌تواند در دین و مسائل آن بیندیشد یا تحقیق کند که لااقل به اندازه خودش در حوزه دین و دینداری پیشرفت کند ؛ حال اینکه چرا ما وارد حوزه دین و دین‌شناسی بشویم ، مساله مهمی است که مقداری بدان می‌پردازیم .

همانطور که قبلاً اشاره شد وقتی می‌خواهیم یک ساختمان بزرگ را بسازیم ، یکمرتبه و دفعتاً نمی‌توان همه آنرا ساخت ؛ بلکه باید فاز به فاز آن را ساخت و پیش برد.

ما در چهل سال اول انقلاب توانستیم کلیاتی از اصول اسلام و انقلاب را مطرح و تثبیت کنیم ؛ چه در حوزه‌های فردی و چه اجتماعی ؛ چه در حوزه‌های علمی و چه در حوزه‌های عملی .

در چله دوم انقلاب اگر بخواهیم که جزئیات این مسائل را بررسی کنیم و ریز تکالیفمان را بدانیم ، لازم است در احکام و مسائل اسلام و انقلاب ریزین شویم و در صورتی اینچنین خواهیم شد که در تمام دستورات اسلام و انقلاب یک بازنگری مجدد انجام دهیم ؛ یعنی برویم آنچه از اسلام و انقلاب دانسته ایم یا شنیده و فهمیده ایم ، یکبار دیگر مرور کرده و به اندازه عقل و درک و علوم جدیدی که پیدا کرده ایم ، آنها را تحلیل نماییم.

از آنجا که در جامعه فعلی ما ، تعداد قابل توجهی جوان وجود دارند که تخصص علمی در دین و یا علوم خاص ندارند ، با توجه به اصول و قواعد عقلی و فکری می‌توانیم در بسیاری از آنها به جاهایی برسیم ؛ چه در حد اطلاعات عمومی و چه در نظام های فکری و نظریه پردازی.

مثلاً کسانی که در رشته شیمی تحصیل می‌کنند بیاوند بر اساس اصول علم شیمی تحقیق کنند که بعنوان نمونه ، نماز که می‌خوانیم از لحاظ شیمیایی چه تاثیراتی بر جسم انسان دارد؟! ؛ یا مثلاً دانشجو یا استاد فیزیک همین مسائل را بر اساس علم فیزیک مورد مذاقه و تحقیق قرار دهد.

اما درباره آن دسته از جوانانی که گفته شد (در رشته خاصی تخصص ندارند) هم باید گفت می‌توانند بواسطه پرداختن به چنین تحلیلهای و نظریه پردازیهای ابتدایی در حوزه اسلام و انقلاب ، بتدریج در حوزه فکری و نظری (برای شروع کار) وارد شوند و بعد از آن بواسطه شناختی که نسبت به خود و جامعه پیدا کرده اند ، جایگاهی تخصصی را برای خود تعریف کرده و آنرا ادامه دهند.

گفته شده وقتی انسان سجده می‌کند ، بارهای مغناطیسی منفی که در بدن ایجاد شده توسط سر به زمین رفته ، بدن از آسیبهای آن رها می‌شود (اگرچه نمی‌دانیم این فرضیه چقدر علمی و دقیق باشد) ؛ اما می‌خواهیم بگوئیم زمینه‌هایی به این شکل وجود دارد که می‌توان در

آنها تحقیق و تدبیر کرد ؛ اگر اینچنین وارد شویم ، می‌توان عملاً حقانیت دین را با ادبیات و علوم روز برای جامعه ثابت کرد ؛ نه صرفاً بصورت نظری و با ادبیات چهل \_ پنجاه سال پیش ؛ که درک نشود و بتدریج دین ، لباس کهنگی به خود بگیرد و لذا نتوانیم از مقوله دین و دینداری دفاع کنیم.

\* نکته : طرح شهید چمران (رضوان‌الله‌علیه) از آنجاکه ظرفیت‌های زیادی دارد ، می‌تواند بسیاری از آرزوها و آرمان‌های فردی و اجتماعی انسان‌هایی را که بصورت فعال به آن می‌پردازند تأمین کند ؛ حال چه دنیوی باشد ، چه اخروی ؛ چه مادی باشد و چه معنوی؛ انشاءالله.

لذا در این بخش مقداری این مسئله را تشریح می‌کنیم ؛ تا ببینیم چگونه از طریق دین و یک نظام ینی می‌توان امورات مبتلا به مادی و دنیوی خود و دیگران را تأمین کرد ؟! (تا چه رسد به امورات معنوی و اخروی)

مثلاً همه ماها دوست داریم از لحاظ اقتصادی دارای شرایط خوبی شویم (و بلکه برای بعضی‌ها در راس آرزوهاست) ؛ یا مثلاً دانشمند شدن ، صاحب نفوذ شدن در جامعه ، ازدواج کردن و .... که چون اینها آرزوهای هر انسان عادی می‌باشند ، نهایت ندارند و نمی‌توان به آخر آنها رسید .

فرض کنید کسی دوست داشته باشد استاد حوزه یا دانشگاه شود ، دکتر ، مهندس ، سخنران و نهایتاً کسی دوست داشته باشد به شهادت برسد(!) ؛ اما چه می‌شود که نوعاً انسان‌ها (حتی خود ما ایرانی‌ها) در مواجهه با این آرزوها ، ناکام شده و دچار سرخوردگی می‌شود؟!

البته اینها چند علت عمده دارد که بعضی از آنها برمی‌گردد به ضعف سیستم مدیریتی و آموزشی کشور ؛ که مثلاً بی‌عدالتی در مدیریتها وجود دارد ؛ و نیز ضعف در سیستم آموزش و پرورش ؛ سبک بودن مطالب بعضی از منابع یا تریبون‌ها (که یا تکراری هستند یا غیر کاربردی و یا خیلی خاص پسند بوده و قابل استفاده برای عموم مردم نیستند و گاهی هم اساساً جذاب نیستند) ؛ و یا هزینه‌های بالای تحصیلی !!

الان برای یک دانش‌آموز پیش‌دبستانی چقدر شهریه می‌گیرند ؟! حدود یک میلیون تومان ؛ درحالیکه زمان ما برای دبیرستان هم اینقدر هزینه نمی‌کردیم ؛ حالا حساب دانشگاه که دیگر نگفتنی است ؛ مسئله دیگر مدرک‌گرایی است ؛ یعنی گاهی تا مدرک نداشته باشی کسی تحویل نمی‌گیرد ؛ یک مسئله بدینی نسبت به دین است ؛ مشکل دیگر ضعف در تحلیل سیاسی است و .....

یعنی جامعه ما پر است از اشکالات اینچینی ؛ اما راهکار چیست ؟! طبیعتاً می‌شود برعکس آن اشکالات؛ یعنی کاری کنیم که این مشکلات برطرف شوند و یا اساساً بوجود نیایند ؛ منتها اینکه "ما چکار می‌توانیم بکنیم" مسئله‌ای است که می‌خواهیم بواسطه طرح شهید چمران (رضوان‌الله‌علیه) به آن پاسخ دهیم ؛ بعبارتی اگر چنین طرحی قوی و با توان بالایی داشته باشیم ، باید بتواند بسیاری از نیازهای جامعه را تأمین کند ؛ نیازهای مادی ، معنوی ، دنیوی ، اخروی ، فردی ، اجتماعی و .... خلاصه مشکلات مبتلا به مردم را.

اما چطور می‌توان این ادعاهای مسئولیت را ثابت کرد؟!!

پاسخ دادن به همه سوالات مطرح شده ، زمان زیادی می‌طلبد ؛ لذا جوابی فشرده خدمت دوستان ارائه می‌شود که با کمی تأمل و مباحثه ، در جلسات بعدی می‌توان به جواب سایر سوالات مطرح شده هم رسید؛ ان شاءالله.

اگر ما بواسطه عمل صحیح به دین وارد عرصه زندگی شویم ، بر اساس معارف اسلامی چون دین برنامه زندگی مادی و معنوی انسان است (در همه جنبه‌های بشری) می‌بایست هر آنچه در زندگی لازم داشته باشیم ، به اندازه کافی نصیتمان بشود (البته با قوانین و اصول خودش) ؛ یعنی اگر شما پول لازم داشتید ، خدای متعال پول را به شما می‌رساند ؛ اما اینکه چگونه ، آن دیگر به خدای متعال مربوط است که از جاهای مختلف نیاز انسان را برطرف سازد ؛ یا مثلاً برای بدست آوردن علم اگر بدرستی عمل شود ، خدای متعال -که عالم مطلق است- علم مورد نیاز را به انسان می‌آموزد ؛ یعنی برای کسب علم حقیقی ، نیازی به بسیاری از هزینه‌ها نیست ؛ اگرچه بقولی که گذشت می‌توان گفت خودش وجود دارد و فقط کافیت آن را کشف و استخراج کرد - که البته در مباحث آینده به راهکارهایی برای تحقق چنین امر مهمی می‌رسیم ؛ از طرفی اگر چنین راهی وجود داشته باشد ، امکان دستیابی به علم برای آن فردی که در محرومترین منطقه کشور و بخش دنیاست ، مانند افراد شهرنشین بصورت یکسان وجود خواهد داشت و تنها کافی است کسی به این راه و روش عمل نماید و همین یک عمل می‌تواند پایه‌های عدالت‌گستری را هموار نماید ؛ چه در خود علم و چه در سایر شئون اجتماعی مربوط به علم ؛ از طرفی وقتی چنین عالمی بدست آمد ، خود به خود مراکز علمی مربوطه مثل حوزه و دانشگاه ، چنین فردی را جذب می‌کنند و بدون نیاز به مدارک تحصیلی رایج ؛ چراکه مدرک را برای اطمینان از عالم بودن فرد می‌خواهند و در صورتیکه محصول ، حاضر باشد دیگر نیازی به مدرک نیست.

مراکز علمی مرتبط با حوزه ها و دانشگاهها هم بواسطه ماهیت دانش طلب بودن که دارند ، با دیدن همچون توانایی‌هایی در یک فرد ، براحتی او را جذب خواهند کرد ؛ یعنی اگر شما توانستید علمی یا برنامه‌ای کشف یا اختراع کنید که مردم و جوانان را بصورت گروهی یا به تعبیر بزرگان ، کاروانی رشد دهد بدیهی است مراکز علمی مثل حوزه و دانشگاه ، بدنبال جذب شما و سرمایه‌گذاری بر شما خواهند بود؛ خصوصاً اگر محصول چنین فرایندی انسان‌هایی در تراز اسلام و انقلاب باشد که هم دانشمند هستند و هم مردمی ؛ هم خاشع و مسئولیت پذیر ؛ و هم متعهد و ...

البته طبیعتاً چنین اتفاقاتی بصورت دفعی صورت نمی‌گیرد ؛ یعنی زمان لازم است تا مقدمات را یاد بگیریم ؛ زمان می‌خواهد تا عمل کنیم ؛ زمان می‌خواهد تا به نتایجی برسیم ؛ زمان می‌خواهد تا سوء ظن ها را برطرف و اعتمادها را جلب کنیم و اینها قاعدتاً زمان بر هستند ؛ اما اگر مقدمات را بدرستی طی کنیم ، از همان لحظات و روزهای اول ، انسان می‌تواند موفقیت خود را در این عرصه ها بصورت بالقوه و باطنی درک کند و گامهای بعد را ا میدواراند تر بردارد !

حال اگر چنین توفیقی نصیب کسی شود ، آیا در حل مشکلات ازدواج ، اشتغال ، درآمد و خلاصه رفع بی‌عدالتی در جامعه ، تحول ایجاد نمی‌شود؟! (چه بصورت فردی و چه بصورت عمومی).

مرحوم آقای دولابی (رضوان‌الله‌علیه) می‌فرمودند از راه محبت به خدای متعال و اولیائش ، می‌توان بدون نیاز به هزینه‌های مادی خاصی عالم شد و اگر چنین اتفاقی بیفتد (که معتقد بودند

چنین خواهد شد) بساط بسیاری از مراکز علمی و آموزشی رایج برچیده خواهد شد؛ چراکه افراد در درون خانه‌هایشان و بوسیله قلب‌هایشان علوم را دریافت خواهند کرد و این همان تعبیر روایتهای آخرالزمانی است که فرمودند در آن دوران، مردم از داخل منازلشان، علوم را دریافت می‌کنند (زمان ظهور امام زمان علیه‌السلام) و دیگر نیازی به داشتن استاد و کتاب و دفتر (به شکل رایج امروز) نیست و بدین ترتیب می‌بینیم با پیگیری چنین مباحثی، می‌توان نیازها و آرزوهای عمومی بشر را تامین کرده، بتدریج و به فضل الهی اساتید بسیار و در علوم متعدد و جدید در جامعه داشته باشیم و انسان‌هایی بوجود بیاوریم که حتی لذت‌های طبیعی آنها هم عمیق‌تر از نسل‌های گذشته باشد؛ چراکه در چنین جامعه‌ای پایه همه پیشرفت‌های بشری، معنویت و اخلاق خواهد بود و در چنین فضائی ظرفیتهای روحی و معنوی انسانها نیز گسترش یافته، درک لذتهای بیشتر و جدیدتری را تجربه خواهند کرد؛ ان شاء الله.

\* ماجرای نامه حضرت امام (رضوان‌الله‌علیه) به گورباچف و بیان این‌که می‌خواستم افق‌های بیشتری را به رویت باز کنم.

ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که در چنین فضایی، قاعدتاً بیماریها کمتر، اختلافات کمتر، عمرها طولانی‌تر، رفاه عمومی بیشتر و ... خلاصه تمدن جدیدی را، انسان خسته از تمدن‌های خودساخته بشری تجربه خواهد کرد.

حاج مهدی سلحشور (مداح مشهور کشوری و از یادگارهای زمان دفاع مقدس) نقل می‌کردند در سفری به سوریه همراه شهید عزیزمان حاج قاسم سلیمانی (رضوان‌الله‌علیه) بودیم و چون مسیر طولانی بود، ساعتها توفیق پیدا کردم در زمینه‌های مختلفی با ایشان صحبت کنم.

ایشان می‌گفتند یکی از مسائلی که به سردار شهید (رض) گفتم این بود که دعا کنید توفیق شهادت نصیب من هم بشود؛ ایشان می‌گفتند شهید حاج قاسم (رض) طی مطالبی گفتند شماها روزهایی را خواهید دید که شهدای عزیز حسرت بودن در میان شما را خواهند داشت و بنظر می‌رسد هم‌اکنون ما در آستانه همان دوران نورانی، طلایی و ناب باشیم؛ تا زیر سایه امام عصر (عجل‌الله) و نایب برحقشان (ایده‌الله) بتوانیم نمونه‌ای هرچند ناقص از زندگی متری دینی را به بشر امروز نشان دهیم؛ ان شاء الله

جهت سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان (ع) اجماعاً صلوات.